

ارتباط مدت زمان تصدی حسابرس با خطر سقوط آتی قیمت سهام در طول عمر شرکت‌ها

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

کد مقاله: ۸۸۵۵۳

نگین مبینی^{۱*}، بنیامین نصر اصفهانی^۲

چکیده

صورت‌های مالی یکی از مهم‌ترین مجموعه اطلاعات مالی مورد نیاز برای سرمایه‌گذاران جهت تصمیم‌گیری است؛ تهیه این اطلاعات توسط مدیران انجام می‌شود. بنابراین، مدیران احتمال دارد که اخبار بد شرکت را پنهان کنند. اما چنانچه اطلاعات پنهان انباشته شده، به نقطه اوج برسد، یک باره منتشر خواهد شد که موجب تعدیل ناگهانی و منفی قیمت سهام شرکت می‌گردد. لذا، وجود این شرایط منجر به تقاضا برای خدمات حسابرسی مستقل شده است تا با ارائه گزارشات با کیفیت، مانع از پنهان کاری مدیران شوند. با این حال، ارتباط طولانی مدیران و حسابرسان ممکن است منجر به ارتباط دوستانه بین آنان شود و فعالیت‌های ذخیره‌سازی اخبار بد توسط مدیران را چشم‌پوشی کنند. بدین ترتیب ریسک سقوط قیمت آتی سهام بیشتر گردد. از طرفی ممکن است ارتباط طولانی منجر به ایجاد دانش کامل در مورد شرکت گردد و منجر به کاهش ریسک سقوط آتی قیمت سهام گردد. به علاوه حسابرسان شرکت‌ها در چرخه‌های مختلف عمر شرکت ممکن است واکنش متفاوتی به پنهان سازی اخبار بد بدهند. در نبود شواهد علمی و تجربی مناسب، پژوهش حاضر به بررسی ارتباط مدت زمان تصدی حسابرس با خطر سقوط آتی قیمت سهام در طول عمر شرکت‌ها می‌پردازد. در همین راستا نمونه‌ای مشتمل بر ۹۰ شرکت پذیرفته در بورس اوراق بهادار طی بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۹ انتخاب و آزمون شده است. نتایج با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره حاکی از تأثیر مثبت مدت زمان تصدی حسابرس بر ریسک سقوط قیمت آتی سهام است. همچنین با حرکت شرکت به سمت دوره‌های افول و رکود، نقش دوره تصدی حسابرس بر ریسک سقوط قیمت سهام کم‌رنگ‌تر خواهد شد.

واژگان کلیدی: دوره تصدی حسابرس، چرخه عمر شرکت و ریسک سقوط قیمت سهام

۱- کارشناس ارشد حسابداری (نویسنده مسئول) neginmobini@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد حسابداری

۱- مقدمه

سرمایه‌گذاران همواره به ارزیابی بازده مورد انتظار و ریسک مرتبط با سهام مختلف می‌پردازند تا بتوانند برای ایجاد پرتفویی مناسب تصمیم‌گیری نمایند؛ در این میان سقوط قیمت سهام یکی از مهمترین نگرانی‌های سرمایه‌گذاران است. چرا که مدیران واحدهای تجاری از طریق تأخیر در انتشار اخبار بد، حجم معینی از اخبار بد را در شرکت انباشته می‌سازند ولی به دلایلی نظیر پرهزینه بودن و یا عدم توانایی مدیریت (نظیر تغییر مدیریت)، با رسیدن حجم اطلاعات منفی انباشته شده به مقدار نهایی خود، دیگر مدیران قادر نخواهند بود که از انتشار این اخبار به بازار و سرمایه‌گذاران جلوگیری نمایند. انتشار یک‌باره این اخبار بد در بازار، موجب تعدیل یک‌باره و منفی قیمت سهام شرکت خواهد شد که در ادبیات مالی از آن به‌عنوان سقوط قیمت سهام یاد می‌شود (جین و میرز، ۲۰۰۶؛ هوتون و همکاران، ۲۰۰۹). ریسک زیان‌های شدید ناشی از سقوط قیمت سهام برخلاف ریسک‌های سیستماتیک سهام، از طریق متنوع سازی سبد سهام نیز کاهش نمی‌یابد و تنها راه پیشگیری از چنین ریسک‌هایی، شناسایی شرکت‌هایی است که سهام آن‌ها در معرض ریسک سقوط قیمت سهام قرار دارند (ساندرز، ۲۰۱۰). یکی از راه‌های پیشگیری از چنین زیان‌هایی، توجه به گزارشات حسابرسان مستقل صورت‌های مالی شرکت‌هاست. انتظار می‌رود که کیفیت بالای حسابرسی تا حدودی دستکاری ارقام حسابداری از سوی مدیران را محدود می‌کند.

در گزارشات حسابرسی، حسابرسان مستقل باید کلیه موارد بااهمیت رعایت نشدن قوانین و مقررات و نیز کلیه موارد سوء استفاده کشف شده در حین اجرای عملیات و هم چنین دامنه عملیات خود درباره کنترل‌های مدیریت و هرگونه نقاط ضعف درخور توجه کشف شده در جریان حسابرسی را گزارش کنند (سرلک و همکاران، ۱۳۹۹). اما روابط طولانی‌مدت حسابرس و صاحب‌کار بر استقلال حسابرس و کیفیت گزارشگری مالی تأثیر گذار است و اهمیت این امر، موجب تدوین قوانینی مبنی بر محدود کردن روابط مزبور شده است. به‌طور خاص، در یک سری از مطالعات اخیر نشان داده است که ارتباط طولانی‌مدت حسابرس با مشتری باعث می‌شود حسابرس، در مورد فعالیت‌های ذخیره‌سازی اخبار بد به‌دست‌آمده از سوی مشتریان خود چشم‌پوشی انجام دهند. در این موارد حسابرسان متهم به کمک به اقدامات دستکاری مدیریتی هستند که اطلاعات عمومی منفی را مخفی می‌کنند (والوکاس^۱، ۲۰۱۰؛ گولدفارب^۲، ۲۰۱۰؛ کافی^۳، ۲۰۱۴؛ ویگینز و همکاران^۴، ۲۰۱۴). به‌طور مثال والوکاس (۲۰۱۰)، بیان می‌کند که شرکت حسابرسی ارنست و یانگ برای مخفی کردن اخبار بد، با هلدینگ برادران لمن ارتباط داشته است این امر به دلیل ارتباط طولانی‌مدت بین آن دو بوده است. برخلاف نگرانی‌های اخیر درباره روابط بلندمدت حسابرس و مشتری، شواهد قانع‌کننده‌ای وجود دارد که دوره تصدی حسابرس با ریسک سقوط قیمت سهام رابطه منفی دارد. این شواهد با دیدگاه نظارت بر یادگیری سازگار است؛ که ایجاد دانش خاص مشتری در طول مدت رابطه بین حسابرس و مشتری، حسابرس را قادر می‌سازد به‌طور مؤثری به تشخیص و نگهداری فعالیت‌های خبری توسط مشتری نظارت داشته باشد.

از طرفی دیگر، چرخه عمر شرکت‌ها نشان‌دهنده میزان تکامل آن‌ها است که ناشی از تغییرات در عوامل درون‌سازمانی مانند انتخاب‌های استراتژیک برای خود و عوامل برون‌سازمانی مانند فشارهای رقابتی که شرکت با آن مواجه می‌شود، می‌باشد (دیکینسون^۵، ۲۰۱۱). چرخه عمر شرکت‌ها تأثیر قابل‌توجهی در تصمیمات آن‌ها، خصوصیات اندازه‌گیری‌های حسابداری و پویایی سودآوری شرکت دارد (کالین و فانگ^۶، ۲۰۱۷). در حسابداری و مالی عموماً از چهار مرحله تولد، رشد، بلوغ و افول برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت استفاده می‌شود (آهارونی و همکاران^۷، ۲۰۰۶). بین این مراحل، مرحله رشد و بلوغ از جایگاه درخور ملاحظه‌ای برخوردار است. در مرحله رشد، شرکت به بسط و توسعه خود می‌پردازد. شرکت در این مرحله، وجوه نقد خود را به خرید دارایی‌های سرمایه‌ای مولد و سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های سودآور برای خود و محیط پیرامونش به مصرف می‌رساند. دیدگاه مبتنی بر منابع پویا یک شرکت بیان می‌کند که الگوها و مسیرهای کلی در تحول توانمندی‌های سازمانی در طول زمان تغییر می‌کند (پنروس^۸، ۱۹۵۹). موقعیت شرکت‌ها در مراحل افول یا رکود، برای حسابرس دارای اهمیت است. حسابرس با دوره طولانی تصدی، برای حفظ شرکت از سقوط قیمت سهام و حفظ خودش از مخدوش شدن شهرتش، نسبت پنهان کردن اخبار بد کمتر بیشتر حساس است. چرا که عدم نظارت دقیق و گزارش به موقع منجر به مشکلات زیادی برای آن می‌شود، بنابراین، سعی می‌نماید بیشتر اطلاعات منفی را گزارش شد (کالین و فانگ، ۲۰۱۷).

در سال‌های اخیر بازار بورس ایران فراز و فرودهای زیاد داشته است و سقوط قیمت سهام را در سال ۱۳۹۹ تجربه کرده است. سقوط قیمت سهام به عدم شفافیت شرکت‌ها مربوط می‌شود که منجر به بی‌اعتمادی سهامداران به بازار سرمایه می‌شود این در حالی است که اقتصاد یک کشور به رونق بازار سرمایه و شرکت‌های تولیدی آن بستگی دارد. و از آنجا که سهامداران به اطلاعات گزارش شده حسابرس اتکا می‌کنند بررسی دوره تصدی حسابرس در جهت افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران و کاهش عدم شفافیت

1 Jin & Myers,
2 Hutton et al.,
3 Sunder
4 Valukas
5 Goldfarb
6 Coffee
7 Wiggins et al.
8 Dickinson
9 Callen & Fang
10 Aharony
11 Penrose

اطلاعات از اهمیت خاصی برخوردار است. علاوه بر این به دلیل مسایل یاد شده، چرخه های تجاری نیز همواره جز جدایی ناپذیر موارد مهم در بازار سرمایه ایران است که باید مورد توجه قرار گیرد. این مساله نیز ضرورت پژوهش حاضر را دوچندان می کند. در ادامه، ابتدا مبانی نظری و پیشینه پژوهش ارائه و فرضیه ها تدوین شده اند. سپس، روش پژوهش شامل نمونه پژوهش و مدل های پژوهش تدوین شده است. همچنین یافته های پژوهش شامل آمار توصیفی و برازش مدل های پژوهش گزارش شده است. بخش نهایی نیز به نتیجه گیری اختصاص یافته است.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مدیران شرکت ها با توجه به نظریه نمایندگی^۱ به دلایلی نظیر ماندن در شرکت، دریافت پاداش و غیره، خواسته یا ناخواسته سعی در دستکاری اطلاعات مالی شرکت ها به منظور مطلوب نشان دادن وضعیت شرکت دارند و باوجود عدم تقارن اطلاعاتی^۲ به دلیل آگاهی بیشتر از وضعیت شرکت، مدیران اطلاعات مالی را به گونه ای تهیه و ارائه می کنند که وضعیت شرکت را به بهترین نحو نشان دهد. از شیوه های معمول این اقدام، تأخیر در انتشار اخبار بد^۳ در مقابل تسریع در انتشار اخبار خوب^۴ می باشد که این قضیه از کیفیت اطلاعات ارائه شده می کاهد و تصمیمات سرمایه گذاران را از مسیر صحیح خود منحرف می سازد. از عمده دلایل و انگیزه های این اقدام، قراردادهای واحد تجاری با مؤسسات تأمین مالی، نهادهای دولتی جامعه ای که در آن به فعالیت مشغول است (هزینه های سیاسی) و نیز قرارداد واحد تجاری با مدیران خود می باشد که مبتنی بر اطلاعات صورت های مالی می باشد (لافاند و واتز^۵، ۲۰۰۸؛ کوتاری و همکاران^۶، ۲۰۰۹). اما اطلاعات مالی شرکت ها توسط حسابرسان مورد بررسی قرار می گیرد. حسابرسان مستقل با نظارت خود بر اطلاعات مالی شرکت ها مانع از دستکاری ارقام حسابداری و پنهان کردن اخبار بد توسط مدیران می شوند.

گزارش حسابرس مستقل معیاری برای انطباق گزارش های مالی با استانداردهای حسابداری است. حسابرسان مستقل کلیه موارد با اهمیت رعایت نشدن قوانین و مقررات و نیز کلیه موارد سوء استفاده کشف شده در حین اجرای عملیات و هم چنین دامنه عملیات خود درباره کنترل های مدیریت و هرگونه نقاط ضعف درخور توجه کشف شده در جریان حسابرسی را گزارش کنند (سرلک و همکاران، ۱۳۹۹). اما، به دنبال ورشکستگی و رسوایی های مالی شرکت های بزرگ نظیر انرون و ورلدکام، قانون گذاران را بر آن داشت تا مسئله ایجاد روابط دوستی و وابستگی اقتصادی بین حسابرس و مدیر را در نظر بگیرند و نظر نهادهای نظارتی به سوی حسابرس و چرخش آن ها بیشتر جلب گردید (کالین و فانگ، ۲۰۱۷، سرلک و همکاران، ۱۳۹۹). برخی مطالعات بیان می کنند وجود ارتباط طولانی مدت حسابرس با مشتری باعث می شود حسابرس، با چشم پوشی به فعالیت های ذخیره سازی خبرهای مدیریتی در شرکت ها کمک کنند (ویگنیز و همکاران، ۲۰۱۴). در این موارد حسابرسان متهم به اقدامات دستکاری مدیریتی هستند که اطلاعات عمومی منفی را مخفی می کنند. به طور مثال والوکاس (۲۰۱۰)، بیان می کند که شرکت حسابرسی ارنست و یانگ برای مخفی کردن اخبار بد، با هلدینگ برادران لمن ارتباط داشته است و این امر به دلیل ارتباط طولانی مدت بین آن دو بوده است. مایرس و همکاران (۲۰۰۳) بیان کردند که هرچقدر دوره تصدی حسابرس طولانی تر باشد، کیفیت سود بالاتر خواهد بود. گونزالس و همکاران^۷ (۲۰۱۵)، نشان دادند با افزایش دوره تصدی حسابرس، کیفیت حسابرس کاهش می یابد که این مساله ممکن است به افزایش ریسک منجر گردد. پترسون و همکاران^۸ (۲۰۱۷) نیز مطرح می کنند در شرایط چرخش اجباری، تقلب کاهش می یابد، همچنین تلاش برای تداوم فعالیت حسابرس در یک شرکت نیز کاهش می یابد.

برخلاف نگرانی های اخیر درباره روابط بلندمدت حسابرس و مشتری، شواهد قانع کننده ای وجود دارد که دوره تصدی حسابرس دارای اثر مثبتی است. حسابرسان برای ارتقاء کیفیت حسابرسی نیاز به شناخت فعالیت خاص مشتری بوده و این دانش و شناخت در طول زمان به دست می آید. از این رو، این گروه اعتقاد دارند که افزایش طول دوره تصدی باعث بهبود کیفیت اطلاعات مالی گزارش شده می گردد (کالین و فانگ، ۲۰۱۷). این شواهد با دیدگاه نظارت بر یادگیری سازگار است؛ که ایجاد دانش خاص مشتری در طول مدت رابطه بین حسابرس و مشتری، حسابرس را قادر می سازد به طور مؤثری به تشخیص و نگهداری فعالیت های خبری توسط مشتری نظارت داشته باشد. در این راستا، نتایج مطالعات کالین و فانگ (۲۰۱۷)، بیان نمودند که توسعه دانش نسبت به مشتری در طول رابطه بین حسابرس و مشتری موجب افزایش توانایی حسابرسان برای شناسایی و پیشگیری از فعالیت های ذخیره سازی خبرهای بد توسط مشتری می شود و در نتیجه باعث کاهش خطر سقوط قیمت سهام در آینده می شود. در ایران نیز عالی پور (۱۳۹۲) نشان داد، بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ لذا با توجه به مطالب بیان شده، فرضیه اول به صورت بدون جهت، تدوین می گردد.

فرضیه اول: دوره تصدی حسابرس با ریسک سقوط قیمت سهام شرکت ارتباط دارد.

- 1 Agency Theory
- 2 Information Asymmetry
- 3 Bad News
- 4 Good News
- 5 LaFond and Watts
- 6 Korhari et al
- 7 González et al
- 8 Patterson et al.

چرخه عمر شرکت نشان‌دهنده تکامل یک سازمان ناشی از تغییرات در عوامل داخلی مانند انتخاب استراتژی تجاری و همچنین عوامل خارجی مانند فشارهای رقابتی است. چرخه عمر شرکت تأثیرات قابل توجهی بر فرآیند تصمیم‌گیری، معیارهای حسابداری و پویایی سودآوری شرکت دارد (دیکنسون، ۲۰۱۱). در حسابداری و مالی عموماً از چهار مرحله تولد، رشد، بلوغ و افول برای تعیین مراحل چرخه عمر شرکت استفاده می‌شود (آهارونی و همکاران، ۲۰۰۶). یک شرکت که در آغاز فعالیت خود می‌باشد معمولاً با کمبود نقدینگی مواجه است و تمرکز سیاست‌های مالی این شرکت بر سرمایه‌گذاری در طرح‌ها و دارایی‌های ثابت می‌باشد و به‌طور طبیعی فروش در حد پایین قرار دارد. لذا به دلیل کمبود نقدینگی، شرکت‌ها در سال‌های آغاز فعالیت خود سود نقدی سهام نیز پرداخت نمی‌کنند. سود تحصیل شده را به‌صورت سرمایه‌گذاری درونی مصرف می‌کنند و دستمزدها را در سطح مختلف کارکنان بر اساس توان مالی شرکت مشخص می‌کنند و بیشتر هدف شرکت افزایش فروش و تصاحب سهم بیشتری از بازار می‌باشد (پنروس^۱، ۱۹۵۹). یا در مورد یک شرکت که در دوره افول به سر می‌برد می‌توان بیان کرد که نقدینگی در سطح بالایی دارد و فرصت‌های سرمایه‌گذاری تقریباً بسیار کم است و شرکت در طرح‌های سرمایه‌گذاری و خرید دارایی‌های ثابت اهتمام ندارد و فروش شرکت با توجه به سهم بازار تصاحب شده در حد بالا و قابل قبولی قرار دارد و سود کسب‌شده اغلب به‌صورت نقدی بین سهامداران توزیع می‌شود و هدف شرکت بیشتر کسب سود بیشتر است به‌جای فروش بیشتر.

با این حال، مدیران سعی می‌کنند تا در هر مرحله از چرخه عمر، تصویر مطلوبی از واحد تجاری ارائه دهند؛ از این‌رو، تمایل دارند تا افشای اخبار بد را به تأخیر اندازند و این اطلاعات را در داخل شرکت انباشته کنند. در صورت نگهداری و عدم افشای اخبار بد برای مدتی طولانی، بین ارزش ذاتی و ارزش بازار سهام، یک شکاف یا حباب قیمتی ایجاد می‌شود. هنگامی که توده اخبار منفی انباشته شده به نقطه اوج می‌رسد، به یکباره وارد بازار می‌شود و به ترکیدن حباب قیمتی و سقوط قیمت سهام می‌انجامد (چین و میرز، ۲۰۰۶؛ هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). این مسئله باعث خواهد شد تا رفتار مدیریت نیز در طی چرخه‌های مختلف عمر شرکت نسبت به انتشار اخبار بد تغییر نماید. در این راستا، کالین و فانگ (۲۰۱۷) مطرح می‌کنند هرچه شرکت به مرحله رکود نزدیک‌تر شود ارتباط مثبت بین دوره تصدی حسابر و ریسک سقوط قیمت سهام کم‌رنگ‌تر خواهد شد. در واقع زمانی که شرکت‌ها در مراحل افول یا رکود باشند، برای حسابر اهمیت است. حسابر با دوره طولانی تصدی، برای حفظ شرکت از سقوط قیمت سهام و حفظ خودش از مخدوش شدن شهرتش، نسبت پنهان کردن اخبار بد کمتر بیشتر حساس است. در واقع ایجاد دانش خاص نسبت به مشتری در طول مدت رابطه بین حسابر و مشتری، حسابر را قادر می‌سازد به‌طور مؤثری موقعیت افول شرکت را تشخیص دهد و از آنجا که عدم نظارت دقیق و گزارش به موقع منجر به مشکلات زیادی برای آن می‌شود، سعی می‌نماید بیشتر اطلاعات منفی را گزارش دهد. حمیدیان و اسدی مشیزی (۱۳۹۵)، نشان دادند، میانگین ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر شرکت‌ها، تفاوت معناداری دارند و میانگین ریسک سقوط قیمت سهام در مرحله افول، دارای بیشترین مقدار است. طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۵)، بیان کردند که بین شرکت‌های حاضر در مرحله ظهور و رشد و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد، درحالی‌که ارتباط معنی‌داری بین سایر مراحل چرخه عمر و خطر سقوط سهام مشاهده نگردید. بدین ترتیب فرضیه دوم به شرح زیر تدوین می‌گردد.

فرضیه دوم، در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت، ارتباط دوره تصدی حسابر و ریسک سقوط قیمت آتی سهام متفاوت است.

۳- روش پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۹ است که پس از اعمال محدودیت‌های زیر، ۹۰ شرکت (۴۵۱ مشاهده سال - شرکت) از مجموع شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران باقی ماند که برای جامعه در دسترس مطالعه شدند. شایان ذکر است داده‌ها از روی صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های بورسی منتشره در سایت‌های کدال و اطلاعات اعلام شده از سوی جامعه حسابرسان رسمی به‌صورت دستی جمع‌آوری شده است. همچنین تجزیه و تحلیل نهایی داده‌ها به کمک نرم‌افزار ایویوز انجام گرفته است.

۱. شرکت طی دوره موردبررسی تغییر سال مالی نداده باشند.
۲. شرکت‌های تحت بررسی جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند.
۳. اطلاعات و داده‌های آن‌ها در دسترس باشد.
۴. معاملات سهام شرکت به‌طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه ماه در مورد سهام یادشده اتفاق نیفتاده باشد

۳-۱- مدل‌های پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی (۱) و برای آزمون فرضیه دوم، از مدل رگرسیونی (۲)، استفاده می‌گردد که بر اساس پژوهش مطالعات کالین و فانگ (۲۰۱۷) تدوین شده است:

$$\text{CrashRisk}_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{Tenure}_{i,t} + \beta_2 \text{Audchg}_{i,t} + \beta_3 \text{Size}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{MTB}_{i,t} + \beta_6 \text{LEV}_{i,t} + \beta_7 \text{AGE}_{i,t} + \sum \beta_j \text{Ind} + \sum \beta_k \text{Year} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{مدل ۱})$$

$$\text{CrashRisk}_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 \text{Tenure}_{i,t} + \beta_2 \text{LCS}_{i,t} + \beta_3 \text{Tenure}_{i,t} \times \text{LCS}_{i,t} + \beta_4 \text{Size}_{i,t} + \beta_5 \text{ROA}_{i,t} + \beta_6 \text{MTB}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \beta_8 \text{LEV}_{i,t} + \beta_9 \text{AGE}_{i,t} + \sum \beta_j \text{Ind} + \sum \beta_k \text{Year} + \varepsilon_{i,t} \quad (\text{مدل ۲})$$

که در آن متغیر وابسته، ریسک سقوط قیمت آتی سهام ($\text{CrashRisk}_{i,t+1}$)، متغیر مستقل، دوره تصدی حسابرسان ($\text{Tenure}_{i,t}$) و متغیر تعدیلگر، چرخه عمر شرکت ($\text{LCS}_{i,t}$) می‌باشد.

۳-۱-۱- متغیر وابسته: ریسک سقوط قیمت سهام (CrashRisk_{it}):

ریسک سقوط قیمت سهام پدیده‌ای است که در آن قیمت سهام دچار تعدیل شدید منفی و ناگهانی می‌گردد. سقوط قیمت سهام، یک تغییر بسیار بزرگ و غیرمعمول در قیمت سهام است که بدون وقوع یک حادثه‌ی مهم اقتصادی رخ می‌دهد. در تعریف دیگری ریزش قیمت سهام به‌عنوان تجدیدنظری ناگهانی و منفی در انتظارات سرمایه‌گذاران در مورد سهام یک شرکت شناخته می‌شود (هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). در این پژوهش برای اندازه‌گیری ریسک سقوط قیمت سهام از معیار نوسان پایین به بالا استفاده می‌شود. بر اساس مطالعات هوتون و همکاران (۲۰۰۹)، بازده ماهانه خاص شرکت را از رگرسیون مدل توسعه‌یافته بازار و شاخص صنعت برای هر شرکت و سال برآورد می‌کنیم:

$$r_{jt} = \alpha_j + \beta_{1j} r_{m(t-1)} + \beta_{2j} r_{i(t-1)} + \beta_{3j} r_{mt} + \beta_{4j} r_{it} + \beta_{5j} r_{m(t+1)} + \beta_{6j} r_{m(t+1)} + \varepsilon_{jt} \quad (\text{رابطه ۳})$$

جایی که r_{jt} بازده سهام ماهانه شرکت j در روز t است. r_{mt} بازدهی شاخص بازار سهام در ماه t است و r_{it} بازدهی ماهانه سهام در صنایع مختلف است. بازده ماهانه خاص شرکت، نیز با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$w_{i,t} = \ln(1 + \varepsilon_{i,t}) \quad (\text{رابطه ۴})$$

$\varepsilon_{i,t}$ بازده باقیمانده سهام شرکت j طی ماه t است که از رابطه (۳) به دست می‌آید.

$w_{i,t}$: بازده هفتگی خاص شرکت j در ماه t

در این پژوهش برای اندازه‌گیری دوره سقوط قیمت سهام (COUNT)، از معیار هاتن و همکاران (۲۰۰۹) استفاده شده است. بر اساس پژوهش هاتن و همکاران (۲۰۰۹)، دوره سقوط در طی سال مالی معین، دوره‌ای است که طی آن، بازده ماهانه خاص شرکت ۳/۲ انحراف معیار کمتر از میانگین بازده ماهانه خاص آن باشد. اساس این تعریف بر این مفهوم آماری قرار دارد که با فرض نرمال بودن توزیع بازده ماهانه خاص شرکت، نوسان‌هایی که در فاصله میانگین به علاوه ۳/۲ انحراف معیار و میانگین منهای ۳/۲ انحراف معیار قرار می‌گیرند، از جمله نوسان‌های عادی محسوب می‌شود و نوسان‌های خارج از این فاصله، جزء موارد غیرعادی قلمداد می‌شود. با توجه به اینکه سقوط قیمت سهام، یک نوسان غیرعادی است، عدد ۳/۲ به‌عنوان مرز بین نوسانات عادی و غیرعادی مطرح است. در این پژوهش، ریسک سقوط قیمت سهام، متغیری مجازی است که اگر شرکت، طی سال مالی حداقل یک دوره سقوط را تجربه کرده باشد، مقدار آن یک و در غیر این صورت، صفر خواهد بود (کیم و همکاران، ۲۰۱۴).

۳-۱-۲- متغیر مستقل: دوره تصدی حسابرسان (Tenure)

دوره تصدی حسابرسان به مدت‌زمانی که یک حسابرس با یک صاحب‌کار ارتباط دارد (یک حسابرس وظیفه حسابرسی را بر عهده دارد) اطلاق می‌شود. دوره تصدی حسابرسان از تعداد سال‌های متوالی همکاری حسابرس با صاحب‌کار در زمینه حسابرسی صورت‌های مالی به دست می‌آید.

۳-۱-۳- متغیر تعدیلگر، چرخه عمر شرکت (LCS):

چرخه تجاری به پدیده تناوب و گردش بین انبساط و انقباض اقتصاد که به‌طور دوره‌ای در عملیات یک اقتصاد رخ می‌دهد، اطلاق می‌شود. تئوری چرخه عمر شرکت چنین فرض می‌کند که شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی، همچون تمامی موجودات زنده که متولد می‌شوند، رشد می‌کنند و می‌میرند، دارای چرخه عمر هستند.

جدول ۱، شناسایی مراحل مختلف چرخه عمر بر اساس الگوی جریان نقدی مطالعات دیکسون (۲۰۱۱) می‌باشد. چرخه تجاری یک متغیر ترتیبی است که یک اگر شرکت در مرحله تولد باشد، دو اگر شرکت در مرحله رشد باشد، سه اگر شرکت در مرحله بلوغ باشد، چهار اگر شرکت در مرحله افول باشد.

جدول ۱: طبقه‌بندی مراحل چرخه عمر شرکت

مرحله	IF	CFO	CFI	CFF
تولد	IF	CFO<0	CFI<0	CFF>0
رشد	IF	CFO>0	CFI<0	CFF>0
بلوغ	IF	CFO>0	CFI<0	CFF<0
افول	IF	CFO<0	CFI>0	CFF ≤ or ≥ 0

در صورتی که هیچ کدام از حالت‌های فوق وجود نداشته باشد شرکت در مرحله رکود است.

CFO: وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های عملیاتی، CFI: وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، CFF: وجوه نقد حاصل از فعالیت‌های تأمین مالی

۳-۱-۴- متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size)، لگاریتم طبیعی جمع دارایی‌های شرکت، بازده شرکت (ROA): سود خالص تقسیم بر دارایی‌های شرکت، اهرم مالی (LEV)، جمع کل بدهی‌ها تقسیم بر جمع کل دارایی‌ها، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام (MTB)، این متغیر نیز از تقسیم ارزش بازاری سهام به ارزش دفتری به دست می‌آید. سن شرکت (Age): لگاریتم طبیعی سن شرکت (تعداد سال‌ها از بدو تأسیس). $\sum \beta_j IndustryDum_{it}$ و $\sum \beta_j YearDum_{it}$ متغیرهای دامی سال و صنعت جهت کنترل تغییرات زمان و مقاطع

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- آمار توصیفی

در جدول (۲) آماره‌های توصیفی مرتبط با مدل‌ها درج شده است. مطابق با نتایج به دست آمده، میانگین سابقه حسابرس در شرکت، برابر با ۲/۷۷ می‌باشد. این رقم نشان می‌دهد که اکثر شرکت‌ها به‌طور متوسط بین دو تا سه سال حسابرس خود را تغییر داده‌اند، اما، بیشترین دوره تصدی حسابرس ۱۰ سال بوده است که مربوط به سازمان حسابرسی می‌باشد. جدول آمار توصیفی نشان می‌دهد که به‌طور متوسط، شرکت‌ها با قدمتی ۳/۶۴ سال و اندازه برابر با ۱۳/۶۳۶ واحد و میانگین رشد ۳/۳۲۶ واحد می‌باشد که نشان‌دهنده میزان برابری قیمت سهام حاضر در بورس که مورد معامله قرار می‌گیرد با ارزش اسمی سهام است که در راستای تحقیق دیدار و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد. و همچنین بازده دارایی‌های شرکت نشان می‌دهد به‌طور متوسط ۱۱ درصد سودآوری شرکت، وابسته به کل دارایی‌های آن شرکت می‌باشد. در نهایت، تقریباً ۶۱ درصد از دارایی شرکت‌ها ناشی از بدهی است بعلاوه، به‌طور میانگین ۶۱ درصد از دارایی‌های شرکت را موجودی‌ها و حساب دریافتنی تشکیل داده است. پتل متغیرهای گسسته نیز نشان می‌دهد، حدود ۸ درصد شرکت‌ها در دوران تولد، ۳۸ درصد شرکت‌ها در دوران رشد، ۳۴ درصد شرکت‌ها در دوران بلوغ، ۵ درصد شرکت‌ها در دوران رکود و در نهایت ۱۲ درصد شرکت‌ها در دوران افول هستند بدین ترتیب درصد بیشتری از شرکت‌ها در دوران رشد به سر می‌برند. بعلاوه، ریسک سقوط آتی سهام در بین شرکت‌های مورد بررسی ۹/۱۵ درصد می‌باشد که با تحقیق فروغی و میرزایی (۱۳۹۱) هم‌راستا می‌باشد. لازم بذکر است که برای کاهش دادن اثر مشاهدات پرت بر روی نتایج پژوهش، یک درصد کوچک‌ترین و بزرگ‌ترین داده‌های مربوط به متغیرهای پیوسته را با اعداد نزدیک‌ترین مشاهدات به آن داده‌ها جایگزین کردیم. نتایج آزمون همبستگی که گزارش نشده است نشان می‌دهد که همبستگی بالایی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد؛ یعنی مشکل هم خطی بین متغیرهای مستقل وجود ندارد.

جدول ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

پتل متغیرهای پیوسته					
متغیر	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	انحراف معیار
دوره تصدی حسابرس	2/775	2/000	10/000	1/000	1/937
اندازه شرکت	13/636	13/511	18/955	10/795	1/359
بازده دارایی	0/111	0/096	0/382	-0/723	0/124
نسبت بدهی	0/616	0/604	2/422	0/237	0/208
رشد شرکت	2/326	1/949	16/830	-0/969	1/640
سن شرکت	3/649	3/761	4/143	2/944	0/320
پتل متغیرهای گسسته					
چرخه عمر شرکت	تولد	رشد	بلوغ	رکود	افول
	8/440	38/890	34/440	5/780	12/440
ریسک سقوط قیمت آتی سهام	درصد صفر	درصد یک			
	90/85	9/15			

۴-۲- فرضیه اول

برای رفع مشکلاتی از قبیل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی خطاها، رگرسیون به روش خطای استاندارد مقاوم انجام شده است (پترسن، ۲۰۰۹). بر اساس نتایج ارائه شده در جدول ۳، مشاهده می شود که ضریب متغیر دوره تصدی حسابرِس ۰/۲۵۵+ است. این ضریب بر اساس آماره z ، در سطح احتمال ۹۵ درصد معنادار است. با توجه به علامت مثبت ضریب این متغیر می توان گفت که با افزایش دوره تصدی حسابرِس، ریسک سقوط قیمت آتی سهام افزایش خواهد یافت. وجود ارتباط طولانی مدت حسابرِس با مشتری باعث می شود در مورد فعالیت های ذخیره سازی اخبار بد به دست آمده از سوی مشتریان خود چشم پوشی انجام می دهند. بنابراین ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می یابد. پس فرضیه اول مبنی بر دوره تصدی حسابرِس ارتباط معناداری با ریسک سقوط قیمت آتی سهام دارد، تأیید می شود.

جدول ۳: نتایج فرضیه اول پژوهش

$CrashRisk_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 Tenure_{i,t} + \sum_k \beta_k Control_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره Z	احتمال آماره Z	هم خطی
دوره تصدی حسابرِس	0/270	0/114	2/368	0/018	1/215
اندازه شرکت	-0/060	0/181	-0/335	0/738	1/382
بازده دارایی	-4/193	1/999	-2/098	0/036	1/809
نسبت بدهی	-2/416	1/447	-1/670	0/095	1/975
رشد شرکت	0/372	0/119	3/117	0/002	1/215
سن شرکت	-1/148	0/572	-2/006	0/045	1/064
مقدار ثابت	2/964	2/620	1/131	0/258	---
سال - صنعت کنترل شد.					
ضریب تعیین مک فادن		آماره LR	احتمال آماره LR		
0.089		20/908	0/000		

در راستای متغیرهای کنترلی نیز می توان بیان کرد که شرکت هایی که دارای سن و اهرم مالی بیشتری هستند ریسک سقوط قیمت سهام بیشتری دارند. بعلاوه، شرکت های دارای رشد بیشتر، ریسک سقوط قیمت سهام کمتری دارند.

۴-۳- فرضیه دوم

نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش در جدول ۴ نشان می دهد ضریب متغیر متقابل دوره تصدی حسابرِس ضرب در چرخش عمر ۰/۱۳۹- است. این ضریب بر اساس آماره z ، در سطح احتمال ۹۰ درصد معنادار است. پس فرضیه دوم مبنی بر ارتباط دوره تصدی حسابرِس و ریسک سقوط قیمت آتی سهام در مراحل مختلف چرخه عمر شرکت متفاوت است، تأیید می شود.

جدول ۴: نتایج فرضیه دوم پژوهش

$CrashRisk_{i,t+1} = \beta_0 + \beta_1 Tenure_{i,t} + \beta_2 LCS_{i,t} + \beta_3 Tenure_{i,t} \times LCS_{i,t} + \sum_k \beta_k Control_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$					
متغیر	ضرایب رگرسیونی	انحراف معیار	آماره Z	احتمال آماره Z	هم خطی
دوره تصدی حسابرِس	-0/697	0/316	-2/207	0/027	4/193
چرخه عمر	-0/667	0/321	-2/078	0/038	3/699
چرخه عمر* دوره تصدی حسابرِس	0/195	0/097	2/018	0/044	4/871
اندازه شرکت	0/048	0/173	0/279	0/780	1/394
بازده دارایی	-2/019	2/244	-0/900	0/368	1/818
نسبت بدهی	0/492	1/333	0/369	0/712	1/980
رشد شرکت	-0/233	0/155	-1/501	0/133	1/232
سن شرکت	-1/115	0/548	-2/034	0/042	1/064
مقدار ثابت	3/685	2/926	1/260	0/208	---
سال - صنعت کنترل شد.					
ضریب تعیین مک فادن		آماره LR	احتمال آماره LR		
0.075		17/296	0/000		

در واقع زمانی که شرکت‌ها در مراحل افول یا رکود باشند. حسابرِس با دوره طولانی تصدی، برای حفظ شرکت از سقوط و حفظ خودش از مخدوش شدن شهرتش، نسبت پنهان کردن اخبار بد کمتر تمایل دارد. در واقع ایجاد دانش خاص نسبت به مشتری در طول مدت رابطه بین حسابرِس و مشتری، حسابرِس را قادر می‌سازد به‌طور مؤثری موقعیت افول شرکت را تشخیص دهد و از آنجا که عدم نظارت دقیق و گزارش مناسب اطلاعات منجر به مشکلات زیادی برای آن می‌شود، سعی می‌نماید بیشتر اطلاعات منفی را گزارش شد.

۵- نتیجه‌گیری

صورت‌های مالی به‌عنوان مهم‌ترین مجموعه اطلاعات مالی است که سهامداران و سرمایه‌گذاران برای تصمیم‌گیری نیاز دارند؛ اما مسئله تضاد منافع با وجود رابطه نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی، قابلیت اتکای اطلاعات صورت‌های مالی را به چالش می‌کشانند. به طوری که ممکن است مدیران واحدهای تجاری به دلایلی نظیر ماندن در شرکت، دریافت پاداش و غیره، خواسته یا ناخواسته سعی در دستکاری اطلاعات به‌منظور مطلوب نشان دادن وضعیت شرکت کنند اما تأخیر در انتشار اطلاعات (اخبار) بد، حجم معینی از اخبار بد را در شرکت انباشته می‌شود ولی وقتی اطلاعات منفی انباشته شده به مقدار نهایی برسند، دیگر مدیران قادر نخواهند بود که از انتشار این اخبار به بازار و سرمایه‌گذاران جلوگیری نمایند. انتشار یک‌باره این اخبار بد در بازار، موجب تعدیل یک‌باره و منفی قیمت سهام شرکت خواهد شد. وجود این شرایط، عامل تقاضا برای خدمات حسابرِس مستقل شده است تا با ارائه گزارشات با کیفیت، مانع از پنهان کاری مدیران شوند. اما ارتباط طولانی مدیران و حسابرِس ممکن است منجر به ارتباط دوستانه بین آنان شود و فعالیت‌های ذخیره‌سازی اخبار بد به‌دست‌آمده از سوی مشتریان خود چشم‌پوشی کنند و ریسک سقوط قیمت اتی سهام بیشتر گردد از طرفی ممکن است ارتباط طولانی منجر به ایجاد دانش کامل در مورد شرکت گردد و منجر به کاهش ریسک سقوط اتی قیمت سهام گردد. اما پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با دوره تصدی حسابرِس و ریسک سقوط اتی قیمت سهام، هنوز به بلوغ نرسیده‌اند. لذا، این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که آیا دوره تصدی حسابرِس می‌تواند بر میزان ریسک سقوط اتی قیمت سهام تأثیرگذار باشد. آیا در چرخه‌های متفاوت عمر شرکت، این ارتباط متفاوت است.

یافته‌های فرضیه اول و دوم پژوهش نشان می‌دهد با افزایش دوره تصدی حسابرِس، ریسک سقوط قیمت اتی سهام افزایش خواهد یافت. وجود ارتباط طولانی مدت حسابرِس با مشتری باعث می‌شود در مورد فعالیت‌های ذخیره‌سازی اخبار بد به‌دست‌آمده از سوی مشتریان خود چشم‌پوشی انجام می‌دهند. بنابراین ریسک سقوط قیمت سهام افزایش می‌یابد. در این راستا، والوکاس (۲۰۱۰)، بیان می‌کند که شرکت حسابرِس ارنست و یانگ که دارای ارتباط طولانی مدت با شرکت بوده است، برای مخفی کردن اختار بد، با هلدینگ برادران لمن ارتباط داشته است. مایرس و همکاران (۲۰۰۳) بیان کردند که هرچقدر دوره تصدی حسابرِس طولانی‌تر باشد، کیفیت سود بالاتر خواهد بود. گونزالس و همکاران (۲۰۱۵)، نشان دادند با افزایش دوره تصدی حسابرِس، کیفیت حسابرِس کاهش می‌یابد که این مسأله ممکن است به افزایش ریسک منجر گردد.

در فرضیه دوم نشان داده شد که هرچه شرکت به مرحله رکود نزدیک‌تر شود ارتباط مثبت بین دوره تصدی حسابرِس و ریسک سقوط قیمت سهام کمرنگ‌تر شود. در واقع زمانی که شرکت‌ها در مراحل افول یا رکود باشند. حسابرِس با دوره طولانی تصدی، برای حفظ شرکت از سقوط و حفظ خودش از مخدوش شدن شهرتش، نسبت پنهان کردن اخبار بد کمتر تمایل دارد. در واقع ایجاد دانش خاص نسبت به مشتری در طول مدت رابطه بین حسابرِس و مشتری، حسابرِس را قادر می‌سازد به‌طور مؤثری موقعیت افول شرکت را تشخیص دهد و از آنجا که عدم نظارت دقیق و گزارش مناسب اطلاعات منجر به مشکلات زیادی برای آن می‌شود، سعی می‌نماید بیشتر اطلاعات منفی را گزارش شد. در همین راستا حمیدیان و اسدی مشیزی (۱۳۹۵)، نشان دادند، میانگین ریسک سقوط قیمت سهام شرکت‌ها در مراحل چرخه عمر شرکت‌ها، تفاوت معناداری دارند و میانگین ریسک سقوط قیمت سهام در مرحله افول، دارای بیشترین مقدار است. طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۵)، بیان کردند که بین شرکت‌های حاضر در مرحله ظهور و رشد و خطر سقوط قیمت سهام ارتباط مثبت و معنی‌داری وجود دارد، درحالی‌که ارتباط معنی‌داری بین سایر مراحل چرخه عمر و خطر سقوط سهام مشاهده نگردید.

با توجه به اینکه افزایش دوره تصدی حسابرِس منجر به افزایش ریسک سقوط قیمت سهام شد، به سهامداران و سایر سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌گردد که دوره تصدی حسابرِس را به‌عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری در مورد توانایی پیش‌بینی سودهای شرکت در نظر بگیرند زیرا قبل از اینکه شرکت سود پیش‌بینی‌شده خود را بخواهد به اطلاع عموم برساند باید حسابرِس گزارش مربوطه را بررسی نموده و اظهارنظر نماید با توجه به این مطلب هرچقدر دوره تصدی حسابرِس در یک شرکت بیشتر باشد پس در نتیجه به علت روابط پنهانی، ممکن است به مخدوش کردن اخبار بد مبادرت ورزد. که در این صورت می‌تواند راهنمایی برای سرمایه‌گذاری در سهام شرکت و کسب بازدهی باشد و با توجه به نقش معنادار چرخه عمر در ریسک سقوط قیمت سهام، به تصمیم‌گیرندگان، فعالان بازار سرمایه، تحلیل گران مالی و سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل در بورس اوراق بهادار توصیه می‌شود در تجزیه و تحلیل طرح‌های سرمایه‌گذاری، برآورد صحیحی از وضعیت قیمت سهام، میزان ریسک‌های موجود و آتی، زمان‌بندی و سرمایه‌گذاری‌های خود با عنایت به درجات مختلف و ناهمگن ریسک‌پذیری به عامل مهم و اساسی چرخه عمر شرکت توجه وافر و درخور اهمیت داشته باشند و نیز تأثیر چرخه عمر را بر تغییرپذیری قیمت سهام شرکت‌ها در نظر بگیرند، زیرا توجه به این عامل مهم منجر به انتخاب سبد سرمایه‌گذاری بهینه با کمترین مخاطره و بیشترین بازدهی می‌شود و به سرمایه‌گذار این قابلیت را داده تا

برای دستیابی هرچه زودتر و کم ریسک تر آزادی برآورد و عمل داشته باشد. در همین راستا توجه به ارتباط دوره تصدی حسابرس و ریسک سقوط قیمت سهام در دوره‌های مختلف عمر شرکت نیز حائز اهمیت است.

منابع

۱. حمیدیان، محسن و اسدی مشیزی، محمد حسین. (۱۳۹۵). چرخه عمر و ریسک سقوط قیمت سهام با تأکید بر نقش درماندگی مالی و عملکرد مالی، پژوهشنامه اقتصاد و کسب و کار، سال ۷، شماره ۱۳، ۲۸-۱۳.
۲. دیدار حمزه، منصورفر غلامرضا، کفعمی مهدی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسیهای حسابداری و حسابرسی. ۴۳۰-۴۰۹.
۳. سرلک، نرگس و جودکی چگنی، زهرا و حیدری سورشجانی، زهرا. (۱۳۹۹). رابطه تخفیف حق الزحمه حسابرسی با خطای حسابرسی و کیفیت سود در وضعیت رکود اقتصادی. بررسیهای حسابداری و حسابرسی. ۳۶۰-۳۸۰.
۴. طالب نیا، قدرت، تقی زاده خانقاه، وحید، حشمت، نقی. (۱۳۹۵). ارتباط بین چرخه عمر شرکت و خطر سقوط قیمت سهام با تأکید بر عدم تقارن اطلاعاتی و رویکرد رفتاری. حسابداری ارزشی و رفتاری. ۲۱۵-۲۳۹.
۵. عالی پور، نعمت اله، (۱۳۹۲). بررسی تأثیر زمان تصدی مدیر عامل بر مدیریت سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، اولین کنفرانس بین المللی حماسه سیاسی (با رویکردی بر تحولات خاورمیانه) و حماسه اقتصادی (با رویکردی بر مدیریت و حسابداری)، رودهن.
۶. فروغی، داریوش و میرزایی، منوچهر و رسائیان، امیر. (۱۳۹۱). تأثیر فرار مالیاتی بر ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهشنامه مالیات، شماره ۱۳.
7. Aharony, J., Falk, H., & Yehuda, N. (2006). Corporate life cycle and the relative value-relevance of cash flow versus accrual financial information. School of Economics and management Bolzano.
8. Callen, J. L., & Fang, X. (2017). Crash risk and the auditor-client relationship. Contemporary Accounting Research, 34(3), 1715-1750.
9. Coffee, J. C. Jr. 2014. Window dressing and fraud. The New York Times, January 21. Available online at <http://www.nytimes.com/roomfordebate/2010/12/20/how-to-make-auditors-more-accountable/window-dressing-and-fraud>.
10. Dickinson, V. (2011). Cash flow patterns as a proxy for firm life cycle. The Accounting Review, 86(6), 1969-1994.
11. Goldfarb, Z. A. 2010. N. Y. Attorney General Cuomo sues Ernst & Young, alleging Lehman accounting fraud. The Washington Post, December 22. Available online at
12. Hutton, A. P., Marcus, A. J., & Tehranian, H. (2009). Opaque financial reports, R2, and crash risk. Journal of financial Economics, 94(1), 67-86.
13. Jin, L., & Myers, S. C. (2006). R2 around the world: New theory and new tests. Journal of financial Economics, 79(2), 257-292.
14. Kim, J. B., Wang, Z., & Zhang, L. (2016). CEO overconfidence and stock price crash risk. Contemporary Accounting Research, 33(4), 1720-1749.
15. Kim, Y. & Li, S. (2014). Corporate social responsibility and stock price crash risk. Journal of Banking & Finance, 43, 1-13.
16. Kothari, S. P., Shu, S., & Wysocki, P. D. (2009). Do managers withhold bad news?. Journal of Accounting research, 47(1), 241-276.
17. LaFond, R. and R. Watts (2006). "The information role of conservative Financial Statements". On Line: www.SSRN.Com
18. Patterson, E. R., Smith, J. R., & Tiras, S. L. (2018). The Effects of Auditor Tenure on Fraud and Its Detection. The Accounting Review.
19. Petersen, M.A. (2009). Estimating standard errors in finance panel data sets: comparing approaches. The Review of Financial Studies, 22(1), 435-480.
20. Sunder, S. (2010). On the Accounting Train: From Crisis to Crisis in Eighty Years. Presentation Slides.
21. Valukas, A., Bradford, D. J., Murray, D. R., & McAm, H. D. (2010). United States Bankruptcy Court Southern District New York. Lehman Brothers Inc, 1.
22. Wiggins, R., Bennett, R., & Metrick, A. (2014). The Lehman Brothers Bankruptcy D: The Role of Ernst & Young.

The relationship between the auditor's tenure and stock price crash risk over the life of the company

Abstract

Financial statements are one of the most important pieces of financial information needed by investors to make decisions; This information is provided by managers. Therefore, managers are likely to hide bad company news. But if the hidden information reaches its peak, it will be released all at once, which will cause a sudden and negative adjustment of the company's stock price. Therefore, the existence of these conditions has led to demand for independent auditing services to provide quality reports. , Prevent managers from secrecy. However, prolonged communication between managers and auditors may lead to a friendly relationship between them and ignore the bad news storage activities by managers and increase the risk of stock futures crash. On the other hand, prolonged communication may lead to a complete knowledge of the company. And lead to a reduction in the future stock price crash risk. In addition, auditors of companies at different life cycles may react differently to concealing bad news. In the absence of appropriate scientific and empirical evidence, the present study examines the relationship between the auditor's tenure and stock price crash risk over the lifetime of companies. In this regard, samples including 90 companies listed on the stock exchange during the period 2016-2020 have been selected and tested. The results using the multivariate regression method indicate the positive effect of the auditor's tenure on the stock price crash risk. Also, as the company moves into periods of decline and recession, the role of the auditor's tenure on stock price crash risk will diminish.

Keywords: Auditor tenure, company life cycle and stock price crash risk